

بررسی رابطه بین واقعیت درمانی گروهی بر میزان تغییر راهبردهای مقابله ای در زنان دارای فرزند معلول

سهیلا بقایی

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد یزد، یزد، ایران.

چکیده

خانواده های دارای کودک معلول در معرض انواع ناراحتی ها و مشکلات قرار دارند که در نگهداری و رسیدگی به وضع فرزندشان مؤثر می باشد و موجب می شود که خانواده روند زندگی طبیعی خود را از دست بدهد و ادامه این وضع ممکن است به فروپاشی نظام خانواده و یا طرد فرزند معلول منجر شود که لازم است در موقع مناسب و با تمهیدات لازم از بروز چنین واقعه ای جلوگیری به عمل آید و این مهم عملی نیست مگر در شرایطی که شناخت کامل از خانواده ها و معلولان آنها موجود باشد و برنامه ها با توجه به این اطلاعات و شناخت ها انتخاب گردد، در ذیل به پاره ای از مسائل و مشکلات که خانواده ها و مادران با آنها روبرو هستند اشاره می گردد. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه مراجعین به مراکز کودکان استثنایی شهرستان یزد در سه ماهه اول سال ۱۳۹۵ بودند. با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۴۰ زن که حداقل دارای یک فرزند معلول بودند انتخاب شدند. پرسشنامه های سبک های دفاعی (DSQ)، تاب آوری، راه های مقابله ای لازاروس و فلکمن (WOCQ) از آنها به عمل آمد و بعد به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. از پرسشنامه اضطراب بک برای ارزیابی سلامت روانی شرکت کنندگان در حوزه اضطراب استفاده شد. گروه آزمایش در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت جلسات واقعیت درمانی قرار گرفت. مجدداً از هر دو گروه آزمون سبک های دفاعی (DSQ)، تاب آوری، راه های مقابله ای لازاروس و فلکمن (WOCQ) به عمل آمد. بر اساس نتایج این پژوهش می توان نتیجه گرفت که واقعیت درمانی بر کاهش اضطراب مادران دارای فرزند معلول اثر مثبت دارد.

واژه های کلیدی: اضطراب زنان، مکانیسم دفاعی، واقعیت درمانی.